دریچه

واقعیت‌های جامعه

لیلی گلستان: صحبت درباره رخشان بنی‌اعتماد کار آسانی نیست. او یک زن استثنایی است، با توانایی و جسارتی استثنایی. در این فضا و مکانی که ما داریم زندگی می‌کنیم، می‌توانم بگویم معضل زنان جامعه ما، زنانی نه‌فقط از طبقه فرودست که از طبقه‌های بالاتر اجتماع، معضلی اساسی است. رخشان، زنان ما را از هر طبقه‌ای خوب می‌شناسد و واقعیت‌هایشان را خوب می‌داند. او این واقعیت‌ها را نشان می‌دهد همان‌طور که هستند، بی‌هیچ غلو و گزافه‌ای. رخشان بنی‌اعتماد، به‌دلیل مستندهای بسیاری که ساخته، توانسته با نوع زندگی، با کردار و با رفتار قشرهای مختلف جامعه آشنا شود. آدم‌ها را خوب تماشا کرده و خوب به خاطر سپرده و بعد درسش را از این دیدن‌ها و از این به‌خاطرسپردن‌ها، در فیلم‌هایش به‌خوبی پس داده است. او با نگاهی مستقیم و خیره، چشم در چشم فقر و فلاکت دوخته است، بی‌اینکه پلک برهم زند. برای همه‌شان دل سوزانده. این دل‌سوزاندن‌ها، این شرح‌دادن مصیبت‌ها، تعهدی است که هر هنرمندی باید داشته باشد. او می‌گوید ببینید. چاره کنید. می‌گوید من می‌گویم و تو گوش‌کن. می‌گوید من نشان می‌دهم و تو ببین. تویی که قدرت یا وظیفه چاره‌کردن این معضل را داری. در قصه‌ها رخشان، در پی یک ایده ناب و درخشان، پاشنه‌ها را ور می‌کشد و می‌رود به‌دنبال سرنوشت شخصیت‌های فیلم‌هایش. شخصیت‌هایی که ساخته دست خودش هستند. می‌رود ببیند کار آن بی‌چاره‌ها عاقبت به کجا کشیده و دیدیم که کارشان به کجاها که نکشیده. چه در خود فیلم و چه در بیرون از فیلم. رخشان بنی‌اعتماد یک زن استثنایی است. قدرش را بدانیم و ارجش بگذاریم.

نمایش چهره مثبت و اثرگذار

الهه کولایی: نکته مثبت تلاش‌های خانم بنی‌اعتماد، به نمایش‌گذاشتن چهره زن پرتلاش، آگاه و پرتحرک ایرانی است که برخلاف همه دشواری‌ها در داخل و فضاسازی‌هایی در خارج، توانسته در ارائه چهره مثبت و اثرگذار زن ایرانی به موقعیت قابل‌توجهی دست یابد. خانم بنی‌اعتماد در کنار سینماگران پرآوازه زن ایرانی، هم نقش‌های اجتماعی داخلی خود را به‌خوبی ایفا کرده و هم به نمایش واقعیت‌های جامعه پرتحول ایرانی و تأثیر زنان بر آن یاری رسانده است. این تلاش پایدار و پربرکت باد.

آگاهی

مصطفی معین: جنایت اسیدپاشی، تنها گوشه‌ای از بی‌پناهی زن در جامعه را نشان داد که با انگیزه‌های خرافی و تعصب‌آلود رخ داد. واقعیت این است که نشناختن و بدشناختن مسائل و آسیب‌های اجتماعی، بیش از خود آسیب‌ها خطرآفرین است، چراکه به تجویز راهکارهای غیرعلمی، خشونت‌بار و عوامانه‌ای منجر می‌شود. رخشان بنی‌اعتماد یکی از برجسته‌ترین هنرمندان فعال و مردم‌گرا در این زمینه بوده است. کارگردانی، ساختن و نمایش ده‌ها فیلم ارزنده سینمایی طی سه دهه گذشته و به‌تصویرکشیدن مسائل حقوق زن در خانواده و جامعه، زندگی در تحقیرها و خشونت‌هایی که در آن به‌سر می‌برد، خواه‌ناخواه آگاهی بیشتر زنان به حقوق اساسی خود، رفع تبعیض‌های جنسیتی و ایفای نقش مؤثرتر در توسعه و پیشرفت کشور را به ارمغان می‌آورد.

عکس: نوشین جعفری

ستایش از راوی قصه‌های زنان اجتماع

رخشان بنی‌اعتماد تقدیر شد

گیسو فغفوری

می‌توان ساعت‌ها درباره توانایی «بانوی اردیبهشتی» سینمای ایران نوشت و گفت. مانند اتفاقی که پنجشنبه‌شب در سالن همایش‌های جهاد دانشگاهی سه‌طبقه زیر زمین اتفاق افتاد و بسیاری؛ از اصغر فرهادی و سیدمحمد بهشتی تا مردان و زنانی از حوزه‌های غیرسینمایی هم‌چون مصطفی معین و شهیندخت مولاوردی و لیلی گلستان آمدند و سخن گفتند. آنان از زنی کارگردان گفتند که در سینمای انقلاب به ثبت نداشته‌ها و محرومیت‌هایی پرداخت؛ نوع دیگری از صحنه‌هایی که «کامران شیردل»، که در این مراسم هم حاضر بود؛ مشابهش را در آثاری چون «تهران پایتخت ایران است»، به‌گونه‌ای دیگر ماندگار کرده بود، اما این‌بار زنان بودند که از رخشان بنی‌اعتماد به‌عنوان زن کارآفرین تقدیر می‌کردند؛ در نیمه اردیبهشت و عجیب اینکه نام مراسم بانوی اردیبهشتی نبود. رخشان بنی‌اعتماد در جمع زنان و مردانی که آمده‌اند او را به‌گونه‌ای ارج نهند یا با کلام یا حتی به سلامی، شاد بود. او که بارها از زنان «راویان صبور زندگی که در زیر پوست شهر جاری هستند»، تصویر تهیه کرده بود، این‌بار توسط دیگر فعالان در این زمینه قدر می‌دید. او این‌بار کنار کسانی بود که از منظری دیگر برای شخصیت‌های اصلی فیلم‌هایش تلاش می‌کردند؛ از زنان سیاست‌مدار هم در این مراسم بودند هم‌چون الهه کولایی، مینو مرتاضی و فخرالسادات محتشمی‌پور تا مردانی سیاست‌مدار چون مصطفی معین، هرکس روی صحنه می‌رفت تا از خصوصیات رخشان بنی‌اعتماد بگوید، چند نکته را فراموش نمی‌کرد، اهمیت به زنان، شخصیت‌هایی برگرفته از واقعیت، زنان و مادران تلاشگر و بیان دردهای آنان و روراستی رخشان. این مراسم به‌سادگی بار دیگر به ما یادآوری کرد که اگر «رخشان بنی‌اعتماد» نبود، جور دیگری دیدن را تجربه کردیم و تمام فعالیت‌های اجتماعی‌ای که خودمان حال یا وقت انجامش را نداشتیم به‌جای ما در مستندهایش ماندگار کرد. رخشان بنی‌اعتماد بانوی مونقره‌ای سینمای ماست. این مراسم سخنانی هم‌چون اصغر فرهادی، سیدمحمد بهشتی، لیلی گلستان، شهیندخت مولاوردی، فیروزه صابر و... . داشت. میهمانان زیادی آمده بودند که برخی نام‌هایشان کمی مشهورتر از دیگران بود هم‌چون نغمه ثمینی، رویا تیموریان، مسعود رایگان، حبیب رضایی، سهیلا جلودارزاده و استادان زن. البته در این مراسم خانواده رخشان؛ باران و جهانگیر کوثری و مادربزرگ شمسی نیز حضور داشتند. همچنین در پایان این مراسم هدایا و لوح‌های تقدیری از طرف انجمن زنان مدیر کارآفرین و مادران صلح به او تقدیم شد.

آغازگر سینمای اجتماعی

کسی که پیام رئیس دولت اصلاحات را خواند، احمد مسجدجامعی بود که رخشان بنی‌اعتماد را «پایه‌گذار سینمای اجتماعی و اخلاقی ایران» دانست و گفت: «ورود و حضور رخشان بنی‌اعتماد در سینما پیامی دارد که آن هم نوعی بازگشت به چیزهای فراموش‌شده‌ای مثل مهر، صداقت، دوست‌داشتن و دانایی است و در همه این نگرش‌های اجتماعی لایه‌های پنهان و عمیقی وجود دارد که ما را به جوهره انسانی دعوت می‌کند. او، این نگاه‌ها و حس‌های مختلف را بازتاب می‌دهد و برای این کار هم تلاش زیادی می‌کند.»

دلیل کارآفرینی

فیروزه صابر، به‌عنوان مؤسس انجمن زنان کارآفرین، درباره دلیل این تقدیر چنین گفت: «ما معتقدیم رخشان بنی‌اعتماد کارآفرین حوزه فرهنگ است، حوزه فرهنگ چالش بیشتری دارد؛ چون سهم تأثیرگذاری‌اش در اجتماع بیشتر است. او هنر و مسائل اجتماعی را درهم تنیده کرد و اینکه نقش زن را در طیف‌های مختلف به تصویر کشید اما این تصویر را فقط در حد آسیب، محدودیت و چالش متوقف نکرد بلکه از درون روزنه‌ها، امید و استواری زن متعالی را نشان داد و به نظر ما این کار رخشان بنی‌اعتماد یک نوآوری بود.»

اصغر فرهادی و سفیدنمایی

فیلم «قصه‌ها» این‌روزها درحال اکران است و هنوز آغاز نشده اعتراض‌هایی به آن از سوی برخی صورت گرفته است. اصغر فرهادی که در این مراسم کیک تولدش نیز بریده شد در سخنانش از واژه سفید برای توصیف آثار بنی‌اعتماد استفاده کرد. او به توصیف مخدوش‌نشدن تصویر رخشان بنی‌اعتماد با دلدادگی به آثارش پرداخت. او گفت :«معدودند هنرمندانی که وقتی از نزدیک آنها را می‌بینیم، این تصویر مخدوش نمی‌شود و من تجربه کرده‌ام و هنرمندانی را دیده‌ام که به خود گفته‌ام، ای‌کاش آنها را از نزدیک نمی‌دیدم. البته این هم طبیعی است که گاهی تصویر، خیلی زیاد شکل عوض می‌کند، بااین‌حال هنرمندان معدودی هم هستند که نه‌تنها تصویرشان مخدوش نمی‌شود، بلکه دلدادگی به آثارشان جنبه آگاهانه پیدا می‌کند». از نظر فرهادی، رخشان بنی‌اعتماد یکی از این‌گونه هنرمندان است: «این موضوع مرا به این نکته می‌رساند که فیلم‌های او ماندگار شده، چون یک صداقت و پاکی در آثارش وجود دارد که برآمده از خود اوست و فاصله‌ای با آثارش ندارد». فرهادی با اشاره به اینکه «من نمی‌توانم تصور کنم یکی از فیلم‌های او را کسی جز خودش با این حس و حال می‌توانست بسازد» گفت: «من این نوع نزدیکی ایشان به آثارشان را ستایش می‌کنم و آرزو می‌کنم که جنس کار ما فیلم‌سازها و کسانی که در عرصه فرهنگ هستیم از این دست باشد». او با اشاره به دیدن فیلم قصه‌ها به‌عنوان داور در کنار سینماگرانی از کشورهای مختلف، گفت: «چون فیلم را دیده بودم و حرف‌وحدیث‌هایی که در ایران گفته می‌شد را هم شنیده بودم، مخصوصا کلمه «سیاه‌نمایی» را که خیلی از آن استفاده می‌شد و البته آن را بهانه‌ای می‌دانستم برای رفع مسئولیت عده‌ای، خیلی دوست داشتم بدانم این داوران غیرایرانی بعد از دیدن فیلم چه واکنشی نشان می‌دهند. پس از پایان فیلم داور لهستانی که بازیگر هم بود، گفت: «من خیلی دوست دارم به کشور شما سفر کنم» و دلیلش هم این بوده است: «در فیلم‌های ایرانی این نکته را دیده که آدم‌ها غصه‌دار مشکلات دیگران هستند، درحالی‌که در فیلم‌های خودشان یا شاید فیلم‌های اروپایی، آدم‌ها غصه‌دار مشکلات فردی هستند». او از سخنانش چنین نتیجه گرفت: «این تفاوتی بود که او در سینمای ما نسبت به سینمای خودشان می‌دید. پس آیا فیلمی که غریبه‌ای را ترغیب کرده تا این وجه از مردم ایران را ببیند، می‌تواند سیاه باشد؟ اگر این فیلم سیاه است، پس سفید چیست؟ معتقدم این فیلم‌ها، فیلم‌های سفیدی هستند و شاید عده‌ای به‌دلیل پیش‌فرض‌هایی که از قبل برایشان تعریف شده و نمی‌خواهند آن را تغییر دهند، نگاه دیگری دارند. شاید هم این نوع نگاه‌ها به این دلیل باشد که گاهی آدم‌های حقیر چیزهای بزرگ در ذهن‌شان جای نمی‌گیرد و باید آن را کوچک کنند تا بفهمند، به همین دلیل بُعد زیبایی را که پشت این فیلم‌هاست فراموش می‌کنند.» او در پایان گفت: «آیا نشان‌دادن آدم‌هایی که گرفتار فقر و بعضی پلشتی‌های جامعه هستند به‌معنای سیاه نشان‌دادن خود به دیگران است؟ البته این می‌تواند باشد، اگر آن رابطه‌ها و غمخواری برای دیگران و وجوه دیگر را لحاظ نکنید. برای همین خانم بنی‌اعتماد، بابت همه خوبی‌های شما تبریک می‌گویم و منتظرم فیلم بعدی شما را ببینم.» سخنان فرهادی با استقبال فراوان روبه‌رو شد.

بهشتی از مادربودن و روراستی رخشان گفت

سیدمحمد بهشتی، مدیر پیشین سینما هم در این مراسم گفت: «می‌خواهم شهادت دهم، حرف‌هایی که راجع به خانم بنی‌اعتماد گفته شد، تعارف نیست و همه واقعیت هستند و البته واقعیت بیش از اینهاست. رخشان مثل یک مادر است. اهل پرستاری و مراقبت است و مثل یک مادر زودتر از همه دردها را می‌فهمد. او مادر اهالی سینما و مادر جامعه ایران است. مادرها زمانی حالشان خوب است که حال همه خانواده خوب باشد.»

مولاوردی، «قصه‌ها» و مسئله آینده‌نگری

سخنانی که شهیندخت مولاوردی، در مقام معاون رئیس‌جمهور در امور زنان، برای تقدیر از رخشان بنی‌اعتماد خواند، متنی بود که هم سینما و هم مسائل اجتماعی را توأمان دربر می‌گرفت. مولاوردی در سخنانش در مراسمی که توسط انجمن زنان مدیر کارآفرین برگزار شده بود،گفت :« دراین‌میان، زنان کارآفرین با پذیرفتن ریسک بیشتر و تن‌دادن به مخاطرات احتمالی و تنها به اتکای استعداد و انگیزه و توان خود، نقشی غیرقابل‌انکار در رشد و توسعه متوازن و پایدار دارند و بنابراین رخشان به معنای واقعی، کارآفرین عرصه فرهنگ و هنر است». پس از آن، او ویژگی‌های رخشان بنی‌اعتماد را چنین توصیف کرد: «کارآفرینی که با اعتمادبه‌نفس مثال‌زدنی، اعتماد کامل به توان و شایستگی و صلاحیت زنان و دختران سرزمینش را نیز به تصویر می‌کشد»، «هنری را عرضه می‌دارد که بازسازی واقع‌گرایانه‌ای از زندگی زنان امروزی است. تصویری که پیش‌روی مخاطبان قرار می‌گیرد، روایتی منصفانه و صمیمانه از زندگی «گیلانه»ها و «روسری‌آبی»های این دیار است و هر آنچه در «زیرپوست شهر» می‌گذرد، روایت دختران و زنانی است که فارغ از تعلق‌شان به طبقه یا گروهی خاص، ردپایی از آنها را در همه‌جا می‌توان دید».

معاون رئیس‌جمهور، فیلم‌های کارگردان زن سینمای ایران را دارای «لحن انسانی» دانست و گفت: «شیرزنان این دیار را چنان به نمایش درمی‌آورد که در سخت‌ترین دوران و در دشوارترین شرایط، می‌کوشند با چنگ‌ودندان از آبرو، حیثیت و کیان خود و خانواده حراست کنند؛ زنانی که نماینده نسل‌های متفاوتی از زنان و دخترانی هستند که امیدشان از دست نمی‌رود» و ادامه داد: «بی‌تردید، راز ماندگاری و خوش‌نامی فیلم‌سازانی از این‌دست، همین نگاه ژرف اجتماعی است. در شرایطی که برخی، زنان را سطحی، سبک و منفعل ترسیم می‌کنند تا از ترویج بی‌مایگی و تبلیغ ابتذال کاسبی کنند، اندک فیلم‌سازانی هستند که تعهد اخلاقی خود در قبال واقعیت‌های اجتماعی را فراموش نکرده‌اند و همچنان در پی سینمایی اصیل هستند تا زن ایرانی را آنچنان که هست، به نمایش درآورند و خانم بنی‌اعتماد بی‌شک یکی از اینان است».

او با بیان اینکه هنرمندانی از این‌دست در طول سال‌ها به سرمایه‌های گران‌قدر اجتماعی بدل می‌شوند که شایسته تجلیل و تدارک چنین محافلی هستند، جایگاه کارگردانانی نظیر رخشان را چنین ارزیابی کرد: «اینها کسانی هستند که دولتشان مستعجل نیست و حال‌وهوای انسانی و اخلاقی آثارشان، سال‌های متوالی بر جان و روان مخاطبان چنگ خواهد انداخت». بسیاری از کسانی که در این مراسم حضور داشتند، افرادی غیرسینمایی بودند؛ افرادی که رخشان بنی‌اعتماد آنان را در فعالیت‌های اجتماعی خود دیده و شناخته بود. او سال‌هاست که با آثارش به‌عنوان فردی اجتماعی و هنرمند هم‌زمان شناخته می‌شود و به گفته معاون رئیس‌جمهور «حساسیت آگاهانه وی نسبت به معضلات و دردهای پیدا و پنهان جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، باعث شده است جنس فیلم‌نامه‌ها، کارگردانی و مستندهایش واقعی و موفق باشد».

شاید یکی از بخش‌های جالب سخنان مولاوردی بررسی تأثیر اجتماعی و کاربردی از آثار سینمایی رخشان بنی‌اعتماد بود: «آیا «گیلانه» کمتر از بسیاری نطق و خطابه‌ها و تحلیل و برنامه‌های غیرهنری، تأثیر جنگ بر زندگی زنان و مادران آسیب‌دیده و نقش بی‌بدیل زنان در جنگ‌تحمیلی را نشان داده است؟ آیا زیرپوست شهر، کمتر از ذره‌بین کارشناسان و آسیب‌شناسان پرادعای محافل رسمی و دولتی با تمامی بودجه‌ها با تشکیلات عریض و طویل، زیروبم گره‌ها و سختی‌های تنیده‌شده با تاروپود زندگی مردم را نمایانده است؟ رخشان بنی‌اعتماد به اینها بسنده نکرده و در «قصه‌ها» با آینده‌نگری از خود، نقش یک مددکار اجتماعی پویا را به نمایش گذاشته است که با رصد کردن مسائل، نگرانی خود را از تبدیل آن به بحران، به جامعه تزریق می‌کند تا با ایجاد حساسیت، توجه سیاست‌گذاران را به چاره‌اندیشی جلب کند و این، شاید مهم‌ترین تفاوت میان رویکرد سلامت‌محور و رویکرد درمان‌محور است. به‌همین‌دلیل این نگاه بارها شایسته تقدیر و تمجید است».

رخشان از زبان رخشان

رخشان در سخنانش، کسانی که بی‌نام تلاش می‌کنند، خانواده‌اش و مادرش را ستود و از آرزویش برای ساختن فیلمی از مادرش گفت و ادامه داد: «فقط یک اعتقاد دارم و برای آن هم خدا را شکر می‌کنم که تا این سن از سر محافظه‌کاری، عافیت‌طلبی و به‌دست‌آوردن موقعیت بهتر و بیشتر سر سوزنی از اصول خودم کنار نرفته‌ام».

او در بخشی دیگر از سخنانش با اشاره به دیگر همکاران خود و نوع خاص سینمایی که یاد گرفته است، اظهار کرد: «گاهی این‌روزها به چوب آن‌گونه سینماراشناختن، رانده می‌شویم اما اشکالی ندارد و مفتخرم که همان نوع سینما را شناختم».

رخشان در نگاه دیگران

افتخار به زن بودن

فرزانه طاهری: رخشان بنی‌اعتماد همواره یکی از نشانه‌هایی بوده که با نگاه به او توانسته‌ام باوجود همه‌چیز، به زن‌بودن در اینجا و اکنون بنازم و به وجود زنی چون او که هست، ببالم. فیلم‌سازی که، ضمن سلطه بر ابزار کار خود و زبان هنرش، هرگز معنای عمیق تعهد انسانی، اجتماعی و اخلاقی را در کارهایش از یاد نبرده است؛ تعهدی فارغ از شعارزدگی و سطحی‌نگری‌های مرسوم. فیلم‌ساز زنی با دغدغه‌هایی که در عمق جانش، هر روز زندگی‌اش، حضور اجتماعی‌اش و آثارش جای دارد. [...] خوشا ما که در هیاهوی خودنمایی‌ها و بی‌اصلی‌ها و فریب‌کاری‌ها و ادعاهای سطحی و توخالی می‌توانیم با دلی محکم و قرص، به صدای شما [رخشان بنی‌اعتماد] گوش بسپاریم و به یاد بیاوریم که باوجود همه‌چیز، می‌توان ماند و کار خوب کرد و مؤثر بود، ذره‌ای را اینجا و ذره‌ای را آنجا بهتر کرد، در تنگناها، روزنی هرچند خرد گشود و حصارهای بی‌چرا را اندکی عقب راند. شما که یکی از بهترین نمونه‌هایش هستید، زنده باشید و پایدار، سال‌های سال و جوشان بماند سرچشمه خصال انسانی و هنری‌تان.

تلاش برای زیستن در کنار مردم

مینو مرتاضی لنگرودی: بنی‌اعتماد هنرمندانه و آگاهانه، کار زدودن غبار عادت از نگاه و رفتار خود و مردم شهر و دیارش را بر دوش می‌کشد. علاوه بر دانایی و توانایی رخشان بنی‌اعتماد و بدعت و نوآوری تأثیرگذارش در پیگیری سرنوشت قهرمانان قصه‌هایش که روح ما را تسخیر می‌کند، آن چه در بنی‌اعتماد ستودنی است، نفس‌نفس‌زدن‌های او برای زیستن و زندگی در کنار و همراه (نه در فراز و پیشتاز) مردم است و قصه‌هایش را براساس تجارب زیسته آنهایی می‌سازد که همه ما هم روزمره کنار خود می‌بینیم اما از فرط آشنایی و عادت‌وارگی به چشممان نمی‌آیند.

تابلوی نفیس

فخرالسادات محتشمی‌پور: ما نیازمند تعریف از اوییم، چون جامعه بیمار ما به ارائه الگوهایی نیاز دارد که دلیل و نشانه راه باشند. نسل امروز ما؛ خاصه دخترکان سرزمین پاک نیاکان سخت‌کوشمان، در لابه‌لای سختی و زبری مشهود وقایع اتفاقیه و در میان بنجل‌های بازار مکاره فرهنگی، باید تابلوهای نفیس را ببینند.

آدم‌های گرفتار جامعه‌ای نابرابر

سوسن شریعتی: رخشان معلوم است که نگاهی وفادار به آدم‌ها و به خودش دارد؛ به دیروز خودش و امیدها و آرزوهایش. نوستالوژیک نیست، چراکه دیروز را رها کرده، ازمدافتاده نیست، چراکه پابه‌پای روز، تابه امروز است، آلامد هم آمده نیست، چراکه با چرخش‌های مدام گفتمان‌های رنگارنگی که هربار مسلط می‌شوند، نه رنگ عوض کرده و نه پوستین وارونه ساخته است. سینمای رخشان، ترسیم موقعیت آدم‌هایی گرفتار در جامعه‌ای نابرابر با مناسباتی ناعادلانه است و امیدوار است با معرفی آنها، ضرورت تغییر را گوشزد کند. این درک از تصویر، مخاطبان آثارش را وامی‌دارد چشم‌درچشم واقعیت‌های تلخ شهر و پابه‌پای آدم‌های تلخ شهری، ساعاتی را طی کنند. اذیت می‌شوند؟ هدف همین است.

جدول ۲۲۵۵ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- عموی گرامی پیامبراکرم(ص)- تجاوز به حقوق دیگران- عضو رونده ۲- اطراف کره زمین را فراگرفته است- هم‌گرایی- نام تعدادی از فراعنه مصر قدیم ۳- مشورت- از تنقلات ترش‌مزه- هنر فرنگی ۴- سایه‌بان درشکه- ایشان- زیارت خانه خدا ۵- سرود دسته جمعی- فرمانی نظامی- از درجات سپاه پاسداران ۶- گواه- نوعی اسلحه کمری- نیم‌کاسه! ۷- روزنامه چاپ ترکیه- قطعی برای کتاب- درخشنده‌روی ۸- نامبارک- ییلاق خوش‌آب‌وهوای شمال شرق تهران- بیماری سبزی و آب آلوده ۹- همسایه الجزایر و موریتانی- همیشه- خجالتی ۱۰- پیمودن- نمایشنامه‌ای از شکسپیر- دائم‌الوجود ۱۱- از مواد افیونی- خباز- سرراست ۱۲- از خواهران نویسنده انگلیسی- کشیک، نگهبانی- فرمان دوچرخه ۱۳- برای بیان درد و آزردگی به کار می‌رود- جدا- قیادت ۱۴- نبرد- از اسباب تدخین- شرم‌وحیا ۱۵- عیب درویش و توانگر به کم‌وبیش... است- خاکستر- گل بستان‌افروز.

عمودی:

۱- از مصالح ساختمانی- حبه خشک‌شده انگور- نام دو نفر از پادشاهان سلسله صفوی بود ۲- مخزن ثابت یا متحرک ذخیره سیمان- مخترع سینما- میخ در گویش عرب‌ها ۳- وسیله‌ای برای کمک به راه رفتن بیماران- نامی دخترانه- به اندازه لازم ۴- زمان‌ها- از نرم‌افزارهای پیام‌رسان تلفن همراه- طلا ۵- معبد زرتشتیان- جهان- با اهمیت ۶- ناپایدار- ورودی- بنیانگذار حزب کمونیست ۷- تیر چوبی سقف- دربردارنده- دلجویی ۸- از آثار نادر ابراهیمی، داستان‌نویس معاصر کشورمان ۹- ضایع- واله و عاشق- مجموعه شعری سروده فاضل نظری ۱۰- نام چندنفر از پادشاهان فرانسه بود- داستان بلند - دوتا الف ۱۱- قعر جهنم- صدای گرگ- نازک‌نارنجی ۱۲- حرف انتخاب- هجوم- شماره پرونده ۱۳- بزرگوار- زبان و خط لاتین- چیره‌دستی ۱۴- فرزند ذکور- مدرسه بزرگسالان- جوینده عاطفه ۱۵- شهری در ساحل غربی دریای خزر- سازمان کشورهای صادرکننده نفت- بدخلق.

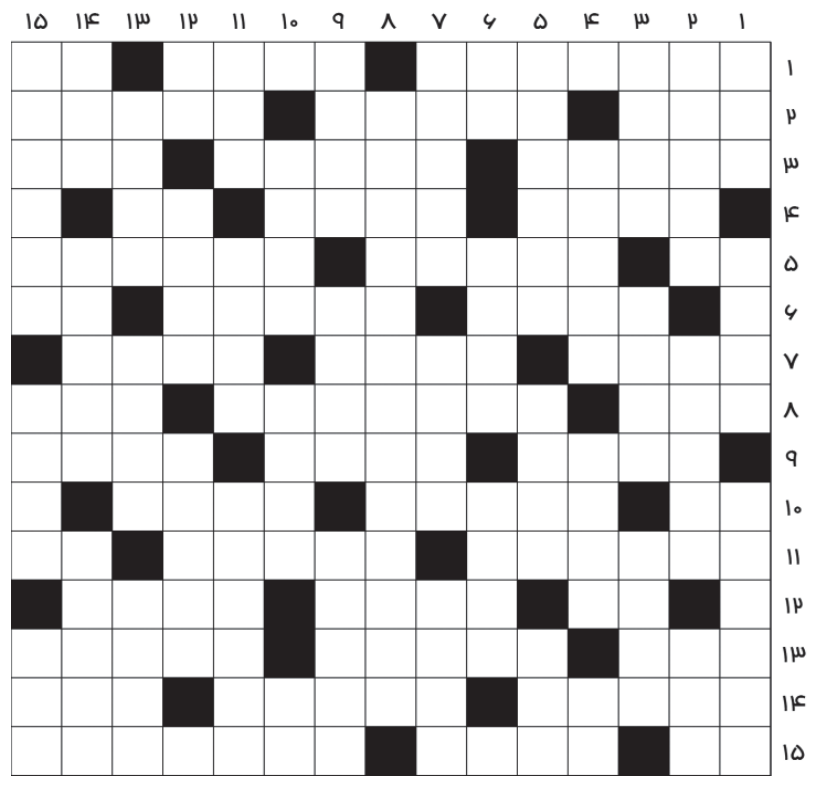

حل سودوکو سخت

۴	۳	۵	۲	۸	۹	۱	۶	۷
۷	۲	۹	۱	۵	۶	۴	۳	۸
۱	۶	۸	۳	۷	۴	۵	۹	۲
۵	۴	۱	۷	۶	۳	۲	۸	۹
۹	۸	۶	۴	۲	۱	۳	۷	۵
۲	۷	۳	۸	۹	۵	۶	۴	۱
۳	۱	۲	۹	۴	۸	۷	۵	۶
۸	۵	۷	۶	۳	۲	۹	۱	۴
۶	۹	۴	۵	۱	۷	۸	۲	۳

حل سودوکو ۱۲۵۱

۳	۶	۴	۲	۵	۷	۱	۸	۹
۱	۷	۲	۹	۶	۸	۵	۳	۴
۵	۸	۹	۱	۳	۴	۷	۲	۶
۷	۱	۸	۵	۹	۲	۶	۴	۳
۲	۵	۳	۴	۱	۶	۸	۹	۷
۴	۹	۶	۸	۷	۳	۲	۵	۱
۶	۴	۵	۷	۲	۹	۳	۱	۸
۸	۲	۷	۳	۴	۱	۹	۶	۵
۹	۳	۱	۶	۸	۵	۴	۷	۲

جدول ۲۲۵۴

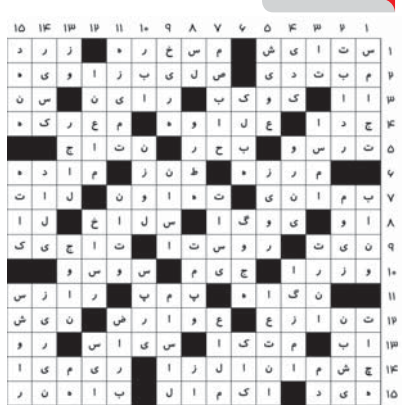

سودوکو سخت ۱۲۵۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۱		۳		۶			۴
			۸		۱		۹	
			۷	۵			۳	
	۸		۲	۶				
۲	۹				۴			۷
	۷		۹		۳		۲	
۸			۱					۵
			۴			۲		۱
					۵		۴	۹

سودوکو ۱۲۵۲

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۹		۵	۴	۶		۲		
			۵			۸	۴	۳
	۸	۷		۲				۹
۵	۴	۲	۶				۷	
		۹				۱	۳	۵
۳			۷				۶	
		۱			۴	۷	۸	
	۶	۳	۹		۷	۵	۲	
	۵					۳	۹	۱